

نویسنده: پیتر وان بورن « Peter Van Buren »
منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ « 2020-01-03 ».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

[4]-----

این امریکایی برای دروغ ما در افغانستان درگذشت

This American Died for our Lies in Afghanistan



مامور سرویس خارجی « اناسمید بگف » به این کشور اعزام شد تا نشان دهد چگونه « مابرنده هستیم » اما او هرگز بخانه نیامد

foreign service officer Anna Smedingshoff was sent to the country to show we were „winning“ she never came Home

بمنظور ایجاد احساس از (دوازده) ماه سپری شده سال؛ معمولاً در این فصل سال مقاله‌ها بطور فشرده در قید تحریر آورده و یا نوشته میشوند که این مقاله‌ها در همه جاها ظاهر و ممکن است که شما آن مقالات را خواهید دید. اما همه‌ای از آنها یکی از مهمترین داستانهای سال را کنار میگذارند و آن اینکه برای اولین بار است که ایالات متحده

امریکا در حدود دودهه است که جنگ جدیدی را آغاز نکرده است .
از هنگام حمله سال (2001) به افغانستان در مجموع (6857) عضو خدمات امریکایی در جنگ جان باخته اند. (جورج دبلیو بوش) این جنگ را آغاز کرد ؛ سپس در سال (2003) به عراق حمله کرد ؛ **بارک « اوباما »** در سال (2009) جایزه صلح نوبل را بدست آورد سپس بلافاصله جنگ را در افغانستان گسترش داد . وی پس از اتمام دوره نخست زمامداری اش به حیث رئیس جمهور ایالات متحده ؛ جنگ امریکا را در عراق مجدداً آغاز کرد و به جنگ جدید در (لیبی) دست زد که (لیبی) را به یک کشور ناکام و ناموفق تبدیل کرد تا جاییکه باعث شد که به مسیر سیل از پناهندگان به طرف اروپا شود و سیاست اروپا را دستخوش اختلالات کند. و ایالات متحده را درگیر در منازعات یمن سازد و نیز شرایط را بار آورده که موجب تشویق یک بحران بشردوستانه در سوریه شوند کنون تقریباً در واقع سه سال کامل میشود که امریکا دست به آغاز جنگ جدید نه زده است .

امسال نیز تا بیید جریان اصلی حقیقت جنگ افغانستان را به همراه داشت یعنی که در واقع امسال نیز کاملاً قابل تا بیید است که جنگ در افغانستان ادامه دارد . واشنگتن پست از مدت ها تا هنوز مدافع تمام جنگ ها در همه جاها بوده است . چنانچه که واشنگتن پست در انتشار این مقالات افغانستان گام کوچکی از مجازات برداشته است از اینکه نشان میدهد که مقامات ذیصلاح امریکا در طول (18) سال گذشته به مردم امریکا به ارتباط پیشرفت های کم و زیاد در افغانستان همه دروغ گفته اند. یعنی که مقامات دولتی ایالات متحده امریکا بشمول روسای جمهور امریکا با آواز های ناهنجار و خرخر کردن و نجوا آمیز به بگو مگوها و به انتشار شواهد مخفیانه مبنی بر عدم پیروزی در جنگ اظهارات و بیانات مثبت صادر کرده اند با وجودیکه میدانستند آنچه که میگویند دروغ است. این مقالات به اصطلاح کاغذ های افغانستان در واقع هزاران صفحه یا داشت ها است که توسط بازرس ویژه ای با سازی برای افغانستان (سیگار) ایجاد و یا ترتیب و تنظیم گردیده است یعنی یک آژانس فدرال نظارتی که برای نظارت بر هزینه های نزدیک به (یک تریلیون) دلار برای با سازی افغانستان ایجاد شده است .
اسناد سیگار (همه نقل قول ها و مصاحبه ها مندرج در گذارشات واشنگتن پست از مقالات افغانسان) بی پرده است .

داگلاس لوت ، ژنرال ارتش سه ستاره امریکا که به عنوان تزار جنگ کاخ سفید در دوران دولت **بوش** و **اوباما** خدمت می کرد، گفت: "ما از درک اساسی در مورد افغانستان

عاری بودیم. ما نمی دانستیم که چه می کنیم." وی افزود: "ما در اینجا چه کاری انجام می دهیم؟ ما مضحک ترین تصویری را که انجام می دادیم نداشتیم. ... اگر مردم آمریکا قدر ویا عمق این اختلال را می دانستند، (2400 نفر که جان خود را از دست دادند. چه کسی خواهد گفت این بیهوده است؟"

احساسات زیادی وجود دارد که به یک دهه برمی گردد، نکات مربوط به همین درگیری تقریباً در ماه های اول درگیری است. به گفته آنها، مردگان مرده هیچ حرفی برای گفتن ندارند، اما سوا بق دروغ به همان اندازه دقیق، نهایی و مبهم است. اما افغانستان همیشه فرا تر از جنگ و بسته به تحرک «جنگ جنبشی» بوده و نبردها برای بدست آوردن قلب و ذهن مردم افغانستان با پول بعنوان یک وسیله یا اسلحه بوده و ما یکی از اصلی ترین دروغ های که در این سرزمین به مردم گفته میشود این بود که بخش عمده از این پول تخصیص داده شده به بازسازی افغانستان صرف آموزش و پرورش دانش آموزان میشود چنانچه که یک افسر از نیروهای خاص توضیح داد: ما در کنار مکاتب خالی و تخریب شده به اعمار مدارس و مکاتب جدید می پردازیم ویا که مدارس جدید می ساختیم که این خود اصلاً به نظر مردم محل مشکلی نبود، چونکه افغان های محل میگفتند که آنها میخواهند که بچه های شان دیگر بزرگ های شیری را برای چراندن به چراگاه ها نبرند؛ مردم با اطمینان غذا بخورند و اما آمریکا در بدل اینکه از گل ولای کهنه و قدیم افغانستان برای افغان ها یک نوع دموکراسی بسازد با پرتاب بمب های خوشه ای بعنوان بابه آدم (آدم) و وعده به اعمار مکاتب برای دختران و پسران بعنوان بی بی حوا (حوا) متوسل گردید.

روزنامه های افغانستان تا بید می کنند که طولانی ترین جنگ آمریکا دروغ است

و در همین دعای کوبیده شده است که آن یعنی **سیمید بگف** «Smedinghoff»، تنها افسر امور خارجه وزارت امور خارجه بود که جان خود را همچو دیگران که در جنگ ها در عراق و افغانستان از دست داده بودند، از دست داد که هنگام صبح در ماه آوریل در سال «2013» درگذشت، مدتها پس از آنکه مقالات افغانستان چانس نشروانتشار رایافت؛ نشان داده شد که روسای وی (**انی سمید بگف**) درواشنگتن همه می دانستند. که این جنگ غیرقابل توصیف و غیر قابل بُرد بود.

این همان چیزی است که همه دروغها در زمینه تفسیر و ترجمه شده اند که او یعنی **انی سمید بگف** (Smedinghoff) که یک دیپلمات (25) ساله بود که از طرف وزارت

امور خارجه ایالات متحده امریکا منصوب شد تا او در افغانستان مطبوعات خوبی را ایجاد کند و آنهم به این هدف که مردم امریکا اینجا در خانه بتوانند ببینند که ما در جنگ افغانستان برنده هستیم. البته که این یک مبارزه سخت و دشواری بود که با کار **انی سمید بگف** ممکن که نشان داده میشد؛ اما از اینکه ما این کار که باید انجام میدادیم ارزش آن را داشت که فد اکا ری نمایم؛ این همان موردی خاصی بود که **انی (Anne)** را نا بود کرد بکتابهای غیر ضروری را جلوی ساختمان مدرسه بلا استفاده به افغانستانی که «12 سال فاقد آب تمیز ناشی از طولانی ترین جنگ امریکا در افغانستان بود تحویل داد. وبعد از آن او یعنی **«انی»** با افراد مسن تر (مهم) دیگر میتوانستند عکس بگیرند یعنی خواستند که با هم عکس گیرند که در داخل **بیلت وی [Beltway]** اصطلاح امریکایی است که برای توصیف مواردی که مهم است یا مهم به نظر می رسد، در درجه اول برای مقامات دولت فدرال ایالات متحده، به پیمانکاران ولایت های آن، و رسانه های شرکتی که آنها را پوشش می دهد، استفاده می شود - برخلاف منافع. و اولویت های جمعیت عمومی ایالات متحده است **تفصیل توسط این قلم**] این عکس ها که بنا م عکس های (خوب و خوشحال) نامیده میشد در عکس، امریکایی ها که با خوشحال کردن افغان ها (البته همیشه با نگاه های به عقب) میخواستند که با لب خند افغان ها روبرو شوند تلاش صورت میگرفت. اما با وجود آنهم در اینجا یک رشته خطاهای کلان از نظر اصول امنیتی کاملاً قابل پیشگیری همچو مانند عروسک های روسی در داخل خطاهای مکرو (macro) که **انی (Anne)** یا هر امریکایی در ولایت زابل انجام میداد وجود داشت از اینکه جسد **انی (Anne)** توسط قطعات از جنس فولاد ناشی از انفجار بمب در موتر گذاشته شده غربال شده بود.

در مکتبی که **انی (Anne)** در آن کشته شد؛ آن مکتب توسط ایالات متحده امریکا در ماه اکتوبر سال (2000) ساخته شد و آنهم بخاطر بهره برداری ویا طرف استفاده قرار گرفتن با صرف مبلغ (135000) دلار نوسازی شد که البته چند ماه بعد کارهای تکمیلی و بنیادی آن اعم از نصب پنجره ها؛ دروازه های جدید؛ رنگ آمیزی دروازه های بیرونی و درونی؛ تمدید لین برق و سر صورت دادن باغ آعا زمیشد. اما پیمانکار اصلی کار بد بختی را انجام داد اما در نیای بررسی بعدی پوتمکین (potemkin = نمایش شبیه کنترل) مقاله های افغانستان با این کار کنار رفت. ارتش با افتتاح این مکتب خاطر نشان کرد که لب خند های زیاد نشاط آور در چهره های زن و مرد آن محل دیده میشد که به مناسبت اعمار ویا بازسازی مجدد این مکتب از خود نشان میدادند اما افغانهای آن محل و منطقه بخاطر کاهش مرگ و میر اطفال شان بیشتر به پروسسس فاضله آب احساس

ضرورت میکردند با چیزی که ضرورت آن درک نشد و یا کسی به آن وقع نگذاشت. گذارش رسمی درباره آنچه که برای **انی (Anne)** اتفاق افتاد محدود و جزئیات بیشتر این رخداد زیرپا گذاشته شد. یعنی که برخورد و تداخل دولت (هما نظر که آنها در اواخر در بنغازی انجام دادند) بگونه ای به اصطلاح چای کمرنگ و ضعیف (بدون تردید) بود که علت مرگ **انی (Anne)** را به اقدامات افراد بد ربط دادند؛ هرکاری که با حضور و موجودیت خود در آن سرزمین انجام دادیم بعنوان نوعی از جزئیات ناچیزی تلقی میشد. وزیر امور خارجه ایالات متحده **جان کیری** اظهار داشت که **انی (Anne)** جوانی و زندگی خود را بطرز غم انگیزی به کار داد تا به جوانان افغانستان فرصت داشتن آینده بهتر را ببخشد. وبه رسانه ها و مطبوعات به ارتباط مرگ **انی (Anne)** سپارش داد، اما از آنجا یکه کنون تمام دنیا میداد نند موضوع در واقعیت ترتیب و تنظیم داستان جعلی بود که خود **انی (Anne)** در ایجاد و خلق کردن این داستان جعلی زندگی خود را از دست داد.

جان کیری وزیر امور خارجه ایالات متحده به دلیل اعتراضات از دوران ویتنام یک هدف آسان است بویژه به نسبت بیانیه ای معروف او که در کنگره امریکا با این عبارت اظهار داشت: چگونه میتوانید از یک مرد بخواهید که آخرین مردی باشد که در ویتنام درگذشت؟ چگونه میتوانید از یک مردی بپرسید که آخرین مردی باشد که به دلیل یک اشتباه درگذشت؟ پس برای وزارت امور خارجه، آنچه در زندگی و پس از مرگ آن یعنی (**انی سمد ینگف**) مهم بود هرگز چنین سوالی نبود، بلکه صرفاً کنترل صدمه برای آنچه که مقالات افغانستان نشان می دهند یک داستان قبلاً ناکام و شکست خورده بود.

«**انی**» فقط یکی از هزاران آمریکایی بود و به معنای واقعی کلمه فقط خدا می داند که چند افغان که به خاطر دروغ های ما در افغانستان جان باخته اند. به همین دلیل است که در مورد بزرگترین داستان سال «2019» کسی و یا هیچ کس صحبت نمی کند - به نظر می رسد که برای اولین بار در دهه ها، این همه سروصداها کند و یا خاموش می شود. در سال «2019» تنها «34» عضو خدمات آمریکایی در جنگ جان باختند. در سال «2009» تعداد جان باختگان «459» بود. و همچنان این رقم در سال «2003» - «526» بود.

کسی ممکن به ناچار نوشتن من را در اینجا را به عنوان بازی سیاسی با مرگ زن جوان رد کند. اما اگر فقط یک جمله دیگر را بخوانید، یعنی این جمله را بخوانید: «حضور **انی**» در افغانستان مربوط به سیاست بود، و مرگ او برای تهیه عکس؛ برای یک عکس یک

عمل سیاسی در حمایت از دروغ بود. این امر او را به نقش نما دگرایی سوق می دهد ، چه کسی آن را دوست داشته باشد یا نه ، اما وظیفه ما این است که تعیین کنیم که این چه چیزی را سمبل می کند و سعی می کند از آن درس بگیرد.

در همان روزی که «**انی**» درگذشت در اثر یک حمله هوایی ناخواسته بیش از (10) کودک افغان نیز جان خود را از دست دادند. شبها است که بخاطر فرونشاندن افکارم مقدار کافی از **توکیلا** (tequila = یک نوع مشروب ایتالیایی) بخاطر اینکه چرا کسی از به هدر رفتن و یا بردن زندگی انسان ها مورد استیضاح قرار نمیگیرند ؛ می نوشم اما من احساس شرمندگی میکنم از اینکه مشروب را از دهن بوتل می نوشیدم ؛ اما ما مشب خواستیم که مشروب را با استفاده از گیلاس از لب گیلاس بنوشم و اینک میخواهم این بار گیلاس را بنام **(انی)** بلند کنم - اما من میدانم که او یعنی (انی) آخرین کسی نیست که بخاطر اشتباه خود در افغانستان در میگذرد ؛ بلکه همچنین همچو مقالات به افشاگری ها از جاهای دیگری از قبیل **لیبی** و **سوریه** نیز روزی خواهد پرداخت ؛ اما همیشه در انتهای یک گیلاس امید وجود دارد ؛ آیا اینطور نیست ؟

چند سطر در مورد نویسنده :

پیتر ون بورن ، جانباز 24 ساله وزارت امور خارجه ، نویسنده کتاب *We Weant Well* است: چگونه من به از دست دادن نبرد برای قلبها و ذهنهای عراقی ها کمک کردم ، جنگ هوپر: رمان جنگ جهانی دوم ژاپن و ارواح تام جواد : داستان 99٪.

تصویر برجسته: یک سرویس یادبود 8 آوریل 2013 برای **(انی سیمد ینگف)** در سفارت ایالات متحده در کابل ، افغانستان. آن روز شنبه آوریل ، 6. 2013 در حالی که برای اهدای کتاب به مدرسه ای در قلات ، استان زابل سفر کرده بود ، در یک حمله شورشیان کشته شد. (عکس از مصدق صادق / ایالات متحده. وزارت امور خارجه)

----- **با تقدیم سلامها «2020-01-10»**

ارسال بازخورد

سابقه

ذخیره شده‌ها

انجمن